نقش شکار، پارچه، دوره آل
بویه،سده چهارم هـ.ق

فصلنامه تحلیلی- پژوهشی

نقش تزیینات هنر ساسانی در شکل گیری هنر اسلامی ایران در سده های سوم تا پنجم هجری

دکتر محمد خزائی *

چکیده

عصر ساسانیان را بایستی یکی از دوره های درخشان فرهنگ و هنر در تاریخ ایران دانست. هنر این دوره برداشتی ماهرانه از عناصر هنری کهن ایرانی بوده که در قالب ذوق و سلیقه هنرمندان آن ایام پا به عرصه وجود نهاده است. با سقوط ساسانیان و ظهور اسلام در ایران، بسیاری از نقوش ساسانی در مصنوعات مختلف در سده های اول هجری، مورد استفاده قرار گرفت. این موضوع سبب شد که هنرمندان مسلمان ایرانی، شاکله هنر اسلامی را بر اساس عناصر هنری ایران باستان که همسو با فرهنگ اسلامی بود، پی نهند.قرون سوم تا پنجم هـ. ق دورانی پربار در تمام ابعاد فرهنگی از جمله هنر اسلامی بود. این برهه زمانی، نقش به سزایی در شکل گیری، گسترش و تداوم سبک هنری- تزیینی نوینی داشت که در قرون بعد در هنر اسلامی ایران به نهایت شکوفایی و بلوغ خود رسید.

در این راستا، مقاله حاضر به اهمیت استفاده از نقوش ساسانی و تاثیراتی که این نقوش در شکل گیری هنر اسلامی در سده های اول داشته و اوج تحول آن تا قرن پنجم هـ. ق ،پرداخته است. از طرفی دیگر نگاهی کوتاه بر اوضاع فرهنگی و اجتماعی و شکل گیری فرهنگ اسلامی؛ تحلیلی بر روند و بازتاب هویت ایرانی در شکل گیری نقوش درآثار این دوره از هنراسلامی از نظر شکل و محتوی دارد.

واژگان کلیدی

هنر ایران، هنر ساسانی، هنر اسلامی، هویت ایرانی، نقوش تزیینی، نمادگرایی

این مقاله بر اساس طرح پژوهشی مصوب شورای پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس تحت عنوان «شکل گیری نقش های تزئینی هنر ایران در اوایل دوره اسلامی و تاثیر پذیری این نقوش از هنر ساسانی» نوشته شده است.

* دانشیار گروه گرافیک دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس khazaiem@modares.ac.ir

مقدمه

گر چه نقوش در تزئینات معماری و دیگر هنر های کاربردی ایران قبل از اسلام به ویژه در عصر ساسانی حضور چشمگیری دارد؛ اما آثار تزیینی دوره اسلامی ایران، مبین این حقیقت غیرقابل انکار است که نقوش رکن مهمی را در هنر اسلامی به خود اختصاص داده است.

قرون سوم تا پنجم هـ . ق، دورانی پربار در تاریخ هنر اسلامی ایران به ویژه نواحی شرق یعنی خراسان و ماورالنهر بوده و این برهه از زمان، نقش به سزایی در شکل گیری، گسترش و تداوم سبک هنری- تزیینی نوینی داشته است. این سبک تزیینی – تجریدی در سده های بعد در هنر اسلامی ایران به نهایت شکوفایی و بلوغ خود رسید. با عنایت به این موضوع که هنر ایران قبل از اسلام، در دوره ساسانی(۶۴۲-۲۲۴ میلادی) یک هنر نمادین و تا حدودی متاثر از مذهب بوده، هنرمندان مسلمان بسیاری از نقش های نمادین و قالبهای هنری قبل از اسلام را به عاریه گرفتند و به مرور زمان بخشی از مفاهیم نمادین آنها را بر اساس جهان بینی اسلام تغییر داده و هویتی کاملا اسلامی به آنها بخشیدند.

تعریف مسئله: هنرهای تزئینی دوره اسلامی در ابتدای امر، به خودی خود و بطور مستقل به وجود نیامده است با مقایسه و بررسی آثار هنری دوران باستان ایران، مشاهده می شود در بسیاری از موارد عناصر و الگوهای سنّتی نقش پردازی این دوره، درآثار هنری قرون اولیه دوره اسلامی بخصوص سده های چهارم و پنجم هـ . ق رعایت شده است. هنر اسلامی به آن دسته از آثاری اطلاق می شود که در چارچوب فرهنگ اسلامی تعدیل و شکل گرفته اند. شاید بتوان این گونه ابراز نمود که اساساً هنر اسلامی آمیزه ای از حکمت و مهارت فنی دانست. حکمت اسلامی و حکمت الهی ایران باستان در کنار فنون و شیوه های ساختاری هنرهای ایران پیش از تاریخ و دوران باستان و پیشرفت انواع علوم در عصر طلایی تمدن اسلامی(سده های سوم تا ششم هجری) مهمترین عامل در شکل گیری هنر اسلامی می باشند.

به همین منظور جهت ریشه یابی نقوش دوره اسلامی، تعدادی از نقوش کتیبه، گیاهی، انسانی و حیوانی به عنوان نمونه در آثار تزئینی گچبری، فلزکاری، پارچه و ... در دوره ساسانی به عنوان عناصر شکل دهنده هنر اسلامی و تحول آنها در دوره اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. در ضمن وجه نمادین برخی از این نقش مایه ها به اختصار مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرند.

در این مقاله به بررسی چند پرسش اساسی در این حوزه پرداخته می شود:

الف) آیا الگو و سنت خاصیّ در ترسیم نقوش رعایت شده است ؟

ب) آیا نقوش هنر دوره اسلامی با نقوش پیش از خود – هنر ساسانی- رابطه و همخوانی دارند؟

ج) آیا تاثیرات ساختار سیاسی –مذهبی در پیدایش و شکل گیری این آثار تاثیری داشته است؟

د) این نقوش در برگیرنده مضامینی نمادین خاصی هستند؟

البته در این میان با سئوال های فرعی تری نیز مواجه می شویم که به نوعی زیر مجموعه سئوالات اصلی محسوب می شوند که در متن به آنها اشاره می شود.

فرضیات: بیان این نکته که هنر ساسانی گر چه یکی از پربارترین دوران در تاریخ هنر ایران می باشد ولی اوج شکوفایی این هنر در دوره اسلامی صورت گرفته است. با مطالعه نقوش می توانیم بسیاری از نکات و شاخصه های هنر و فرهنگ متسلسل ایران، با وحدت بیشتری انسجام و معنا ببخشیم.

هدف از اجرا: قرون سوم تا پنجم هـ ق، دورانی پربار در تاریخ هنر اسلامی ایران به ویژه نواحی شرق یعنی خراسان و ماورالنهر بود. در این برهه زمانی مناطق یاد شده نقش به سزایی در شکل گیری، گسترش و تداوم سبک هنری- تزیینی نوینی داشتند. این سبک تزیینی – تجریدی در قرون بعد در هنر اسلامی ایران به نهایت شکوفایی و بلوغ خود رسید. هر چند که تجرید رکن اساسی این هنر بوده، این امر بدان معنا نیست که از واقعیت و جهان عینی به طور کامل منتزع گردیده است.

همانگونه که اشاره شد، متاسفانه بسیاری از تحلیل گران این گرایش تزیینی- تجریدی در هنر اسلامی ایران را نتیجه منع مذهبی اسلام از تصویر کردن انسان و دیگر جانداران و عاملی برای پر کردن این خلاء قلمداد کرده اند(Beg,1981). اگر این گفته را بپذیریم باید رّد نقش هیچ جاندار را به ویژه انسان در هنر اسلامی قابل پی گیری نباشد، اما با مطالعه آثار هنری برجای مانده از این ایام

انواع مختلف از این قبیل نقوش را شاهدیم. به بیانی دیگر رّد این نظریه که هنر اسلامی فقط هنری غیر تصویری(Nonrepresentational) است از دیگر مواردی است که در باره آن بحث می شود. این نظریه که بسیاری از مستشرقین سعی در القای آن دارند، به راحتی با کمی دقت و بررسی در آثار هنری دوران مورد نظر و با مشاهده نمونه هایی از نقوش تصویری(Figurative) درهنر اسلامی این موضوع رّد می شود.

روش تحقیقی که در این مقاله مورد توجه و بهره گیری بوده شامل روش تحقیق تاریخی – تطبیقی و تحلیل محتوی است. ابزار و شیوه های گردآوری اطلاعات شامل: کتابخانه ای، میدانی و گردآوری تصویری نمونه هایی ازآثارهنرهای تزئینی در موزه های خارج و داخل کشور می باشد.

این مقاله در سه بخش مورد بررسی قرار می گیرد. نخست نگاهی به سیمای فرهنگ و جایگاه هنر و تنوع نقوش دوره ساسانی دارد. سپس تحلیلی بر تاثیر و بازتاب هویت ایرانی بخصوص عصر ساسانی در روند شکل گیری اولین تمدن ایرانی در سده های اول (سده های سوم تا پنجم هجری) دوره اسلامی دارد. در آخر به بررسی شکل گیری نقوش هنر اسلامی در قالب شکل و محتوی اختصاص دارد. در این قسمت به بررسی، ریشه یابی و ابعاد نمادگرایی تعدادی از نقوش با ارائه شواهد تصویری در هنر قبل و بعد از اسلام می پردازد. در پایان هم به جمع بندی و نتیجه گیری و ارایه پیشنهاداتی پرداخته می شود.

۱-پیشینه تاریخی و فرهنگی هنرهای تزیینی ایران در دوره ساسانی(۶۴۲-۲۲۴ میلادی)

پس از اشکانیان(۱۷۴ ق.م تا ۲۲۴ میلادی)، ساسانیان زمام امور را بدست گرفتند. آنها نیای خود، ساسان را منصوب به هخامنشیان(۳۳۱- ۵۵۹ ق. م) می دانستند. ساسان یکی از روحانیان بلند پایه معبد آناهیتا دراستخرا بود. پاپک را پسر و جانشین ساسان قلمداد می کنند و اعتقاد بر این است که اردشیر پسر دوم پاپک سلسله ساسانیان را بنیان می نهد(گیرشمن، ۱۳۷۵).

ابن اثیر به ماخذی پهلوی به نام «کارنامک اردشیر» استناد می کند. در آن منبع، ساسان شبان پاپک شاه معرفی شده و در خوابی پاپک بر تبار اصیل ساسان که به خاندان هخامنشی منصوب می شده واقف می شود. او دختر خود را به ساسان می دهد و بدین ترتیب اردشیر زاده می شود. فردوسی در شاهنامه نیز شبیه همین روایت آورده است(فرای، ۱۳۷۷).

در طول حکومت خاندان ساسانی، بزرگترین جنگ های ایران با امپراتوری روم به وقوع می پیوندد. در این دوره علاوه بر آیین رسمی زرتشت، ادیان و فرق متنوعی که غالباً فعالیت های زیرزمینی داشته به وجود می آیند. ادیانی چون زروانی، مانوی، مزدکی و ... را می توان نام برد.

هنر ساسانی نه یک پدیده ناگهانی در هنر ایران و نه برداشتی خاص از هنر یونانی است. هنر ساسانی، چکیده ای از هنر تمامی اعصار ایران با پذیرش عناصر خارجی است. هنر ساسانی این تاثیرات خارجی را پذیرفت و با سنت های هنر بومی سرزمین ایران هماهنگ کرد. هر چند که خود دائماً از شیوه های داخلی و خارجی اقتباس می کرد، اما چون بزرگترین امپراتوری زمان خود بود تاثیری دائمی و همیشگی بر تمدن های تحت سلطه و حتی خارج از سلطهٔ خود داشت(گیرشمن، ۱۳۷۵).

بخش عظیمی از آثار بر جای مانده دوره ساسانی به ظروف فلزی و نقش برجسته های حجاری شده بر روی سنگ اختصاص دارد. در این آثار نقوش تزئینی چنان هنرمندانه بکار گرفته شده اند که شبیه آنها را در کمتر دوره ای می توان یافت. صحنه های شکار، اسب سواری و ... از جمله موضوعاتی هستند که به کرات دیده می شوند. این شیوه ها و صحنه ها در آثار دوره اسلامی با تنوع بیشتری ظهور پیدا می کند.

۲- اوضاع تاریخی و سیاسی و روند شکل گیری فرهنگ و هنر ایرانی- اسلامی در سده های اول دوره اسلامی

در این قسمت اشاره ای مختصر به اوضاع تاریخی و تاثیر و عناصرایرانی به ویژه ساسانی در روند شکل گیری اولین تمدن ایرانی در سده های اول (سده های سوم تا پنجم هجری) دوره اسلامی دارد. در بخش نخست؛ بررسی شرایط فرهنگی، هنری در قلمرو حکومت های متقارن ایرانی می پردازد. در بخش دوم؛ بازتاب هویت ایرانی در شکل گیری هنر اسلامی در این ایام مورد مطالعه قرار می گیرد.

۲-۱ اوضاع تاریخی، سیاسی، اجتماعی و پیشینه

فرهنگی – هنری ایران درسده های اول اسلامی ایران یکی از کشورهایی بود که در دهه های نخستین ظهور دین اسلام توسط مسلمین فتح شد(بین سال های ۱۶ تا ۲۱ هجری). علت اصلی حمله اعراب به ایران صرفاً در جهت کشورگشایی و مال اندوزی نبود. دلیل اساسی این حمله گسترش دین و اعتقادات تازه ای بود که به واسطه پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) در سرزمین آنها ظهور پیدا نموده بود. امروز جای تردید نیست که دین یکتاپرستی پایدارترین علت محرک کشورگشایی تازیان بوده است(اشپولر،۱۳۶۹).

اتفاق مهم در این زمان استفاده و در خدمت قرار گرفتن عناصر هنر ایرانی برای بیان جهان بینی اسلامی بود. و این سِّر جاودانگی، تداوم و اصالت هنر ایرانی – اسلامیَ است. به عبارتی هنرمندان ایرانی و نو مسلمان ها، آموزه ها و جهان حسی – هنری خود را منطبق بر ارزش ها و سنت های اسلامی تعدیل کردند. بدین ترتیب بخشی از پایه های مستحکم هنر اسلامی در ایران و و دیگر سرزمین های تصرف شده پدید آمد. پایه های این هنر خاص آنچنان در کلیت مستحکم و منسجم است که هر چند هنر اقوام و تمدن های مختلف مسلمان با هم متفاوت است اما در ساختار و پایه های کلّی، وحدت و یگانگی (معرفه اصلی دین اسلام) عنصر اصلی است. این ویژگی در هنر دیگر ادیان ابراهیمی از جمله در هنر مسیحیت به چشم نمی خورد. شاید بتوان گفت بخش اعظم کالبد هنر اسلامی(از سده سوم به بعد) زاییده خلاقیت و نبوغ هنرمندان ایرانی و روح این هنر، نفخه پاک دین اسلام و پیام آن است.

در سال ۱۳۲ هـ . ق با کمک سرداران ایرانی خلافت از امویان به عباسیان انتقال یافت. حکومت آنان تا سال ۶۶۷ هـ . ق ادامه یافت. تاثیر فرهنگی و هنری این خاندان تنها تا سال ۳۲۹ هـ .ق باقی بود(اتینگهاوزن وگرابر،۱۳۷۸). مهمترین دست آورد این جابجایی قدرت که به یاری ایرانیان به ویژه ابومسلم خراسانی تحقق پذیرفته بود، انتقال قدرت به بغداد در نزدیکی شهر تیسفون(مدائن) پایتخت ساسانیان بود که از نظر فرهنگی و هنری بسیار غنی بوده و از سویی هنر اسلامی را به عناصر هنری ایران باستان متصل کرد.

از سویی دیگر بسیاری از فرق مذهبی و زیرزمینی ایران پیش از اسلام که در دوره ساسانی به شدت مورد آزار و اذیت بودند و نیز پاره ای از مذاهب اسلامی – به ویژه علویان – که در دوره خلفای بنی امیه و بنی عباس به شدت مورد شکنجه و فشار بودند، توانستند خراسان را مرکز فعالیت های علمی، مذهبی و فرهنگی خود قرار دهند. شاید تعدد دانشمندان ، فیلسوفان، متکلمان و خلق آثار هنری بدیع اسلامی در این دوره حاصل همین شرایط خراسان آن روزگار بوده است. کرمر(Kraemer) در کتاب "احیای فرهنگی در عهد آل بویه، انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی" در تحلیل خود از تاریخ این دوره ایران، مرکز اصلی رنسانس ایرانی – اسلامی را قلمرو خراسان بزرگ قلمداد می کند(کرمر، ۱۳۷۵). خراسان در عصر سامانی جایگاه امن تمام مشربهای فکری و دینی است . تضارب حکیمانه آراء توسط صاحبان افکار، نه تنها جدالها و ستیزه های سیاسی و نظامی را موجب نمی شود بلکه بستر مناسبی را برای ظهور اندیشه های خلاق و آفرینشگر فراهم می کند.

تحلیل گران ایرانی نیز از یادآوری نقش و سهم این حکومت های همزمان ایرانی در اعتلای فرهنگ ایرانی – اسلامی غافل نمانده اند.

دکتر شریعتی در این رابطه می نویسد:" سامانیان در هزار سال پیش که هنوز مسایل دقیق جامعه شناسی و زبان و مذهب و فرهنگ و عوامل حیات و ارتقا و استقلال ملت و رابطه های دقیق و علمی میان این نهادها مطرح نبود و در اوج افتخار و قدرت عالمگیر زبان عربی و تحقیر ملیت و زبان ملی و حقارت زبان فارسی، ابتکاری کردند که اگر بعدها فراموش نشده بود هم موجب آن شده بود که فرهنگ و مذهب اسلام در عالی ترین و اصیل ترین سطح و سرمایه اش در میان مردم، رسوخ نماید و هم بینش و اندیشه و فرهنگ توده مردم ما از سطح عامیانه و خرافی فرا رفته و وسعت و غنا یابد(شریعتی، ۱۳۶۹).

۲-بازتاب هویت ایرانی در روند شکل گیری هنر اسلامی ایران در سده های سوم تا پنجم هجری

توجه به پیشینهء اساطیری، تاریخی و فرهنگی ایران باستان – به ویژه دوره ساسانی– و بهره گیری از سنت های هنری آن، در دستاوردهای هنری و ادبی سده های اول دوره اسلامی به وضوح نمایان و بارز است. این بهره مندی در دوران حکومت

تصویر۱- سکه دوره ساسانیان، خسرو دوم، موزه سکه نیویورک

تصویر۲- مدال نقره ای، آل بویه، ۳۵۱ هجری، موزه سکه نیویورک

سامانی، آل بویه، آل زیار و ... در معماری مساجد، و برج آرامگاهی های، هنر های کتاب آرایی و دیگر دستاورد های هنری بسیار مشهود است.

بازتاب هویت ایرانی بی تردید در ایجاد و گسترش هنرهای ایرانِ اسلامی نقشی به سزا داشته است. تزیینات معماری، هنر های کتاب آرایی، منسوجات، ابزار و آلات فلزی و ... در امتداد هنر ایران قبل از اسلام است. رکن الدوله دیلمی در سال ۳۵۱ هجری در ری مدال نقره ای منقوش را ضرب کرده است. در این مدال رکن الدوله به رسم سکه های ساسانی تاجی بر سر دارد و عبارت "فر شاهنشاه فزون باد" هم به خط پهلوی نوشته شده است(شکل های ۱ و۲)(Khazaie ،1999). در مدالی دیگر که در سال۳۵۹ هجری توسط پسرش عضدالدوله در فارس ضرب شد که در یک روی آن تصویر عضدالدوله را با تاجی به شکل تاجهای اواخر ساسانی، همراه با عبارت: "فر شاهنشاه فزون باد" نشان داده شده است. در روی دیگر مدال هم عبارت "لااله الا الله" و "محمد رسول الله" دیده می شود. بدین ترتیب مدال ترکیب اشعار اسلامی و ایران قدیم را نشان می دهد. عضدالدوله با مرمت و نوسازی مرقد امام علی (ع) در نجف و امام حسین(ع) در کربلا تمایلات شیعی خود را ابراز کرد و پس از مرگ نیز در جوار مرقد امام علی(ع) دفن شد(کرمر، ۱۳۷۵).

از دیگر آثار منحصر به فرد هنری این دوره قرآن معروف ابن بوّاب است که هم اکنون در کتابخانه چستر بیتی شهر دوبلین- پایتخت جمهوری ایرلند نگهداری می شود. این قرآن در سال ۳۹۱ هجری در کتابخانه حاکم دیلمی_ بهاالدوله (۳۷۹-۴۰۳ هـ . ق) کتابت شده است. استفاده و بکارگیری نقش های تزیینی دوران باستان در تذهیب این قرآن کوچک(۱۳/۵ ×۱۷/۵ سانتیمتر) از امتیاز های این قرآن است. ابن بواب توانسته است با تعدیل و بازسازی نقوش باستانی، آنها را با شخصیتی کاملا نو و مطابق جهان بینی اسلام ارائه نماید. استفاده از نقش بال ساسانی به صورت قرینه، نقش های هندسی و نقش نیلوفر آبی (لوتوس) همراه با نقش اسلیمی از جمله نقوشی است که هنرمند در تزیینات این قرآن به کار گرفته است(خزایی، ۱۳۸۱).

در حقیقت حکومت های متقارن ایرانی خصوصاً آل بویه و سامانیان به دو ویژگی مکتب و ملیت توجهی فراوان داشتند. به عبارتی در تاریخ ایران اسلامی، ملیت ایرانی و مکتب اسلامی از این دوره به نحوی جدی سازگاری و اشتراکات فرهنگی – تمدنی خود را دنبال کرد. این دوره در خور توجه ترین عهد در ساختار زیر بنای تمدن ایرانی – اسلامی است. در واقع ثابت کردند اسلام مانع پیشرفت تمدن و فرهنگ نیست.

۳- شکل گیری هنر اسلامی ایران از نظر شکل و محتوی در قالب نقوش

در تاریخ هنر ایران، بسیاری از عقاید و تفکرات حاکم بر جامعه در نقوش آثار تزیینی تجسم یافته

اند. در حقیقت این نقوش از جهاتی حاصل تجدید اندیشه و آرای متفکران و اندیشمندان است که به دست هنرمندان آن روزگار شکل یافته اند. از طرفی دیگر علاوه بر شکل ظاهر، رّد بسیاری از شاخصه های نمادین و اسطوره ای هنر دوران قبل از خود را در آثار می توان یافت. آثار هنری سده های اول دوره اسلامی ایران هم از این قائده مستثنی نیست و حضور بسیاری از مؤلفه های نمادین هنر ایران باستان را در آثار این دوره قابل دریافت است.

حال جای این سوال باقی است: اگر نقوش قبل از اسلام دارای مضامین نمادین و اسطوره ای بوده پس چگونه توانسته اند با حفظ اشکال و کالبد سنت های باستانی در جهان نوینی که اسلام به ارمغان آورد به حیات خود در راستای جهان بینی اسلامی ادامه دهند؟ البته باید به این نکته توجه داشت که بسیاری از این نقوش آرام آرام متناسب با موازین اسلامی تعدیل و استحاله یافته و در چهارچوب هنر اسلامی قرار گرفته اند

از اواخر قرن سوم هجری قمری شیوه ای خاصی از نقش های تزیینی در آثار سفالگری، فلز کاری، گچبری، نساجی، نقاشی دیواری، آجرچینی و ...، در نواحی شرقی ایران- خراسان بزرگ- به ویژه در شهر نیشابور پدید آمد. در این میان نقوش سفالینـه هـا و گچبریهای نیشابور این دوره حائز اهمیت است. این آثار در تاریخ هنر اسلامی ایران از جایگاه خاصی برخور بوده و تاکنون جزو نخستین و منسجم ترین آثار هنرهای تجسمی در ایران پس از اسلام به شمار می روند. این نقوش مثل حلقه های زنجیر هنر ساسانی و هنر اسلامی را به هم متصل سازند. یکی از تقسیم بندی هایی که می توان بر مبنای آن نقش های این دوره را رده بندی نمود می تواند شامل: نقش های کتیبه ای، نقش های گیاهی، نقش های جاندار (انسانی – حیوانی) و نقش های هندسی باشد.

قبل از بررسی انواع نقش ها، ذکر این نکته در خصوص نقش های هندسی ضروری است. بیشترین تحول در نقش های هندسی (بر اساس نمونه های موجود)، در دوران اسلامی حاصل شده است. این نقش در آثار هنرتا قبل از اسلام حتی در هنر رم و یونان از تنوع زیادی برخوردار نبوده است. گرچه در آثار دوران باستان در ایران نمونه هایی وجود دارد ولی در مقایسه با نقش های هندسی دوران اسلامی، بسیار ابتدایی طرح شده اند. به همین دلیل

تصویر۳- لوح گچی، دامغان،دوره ساسانیان، موزه هنر پنسیلوانیا

از ریشه یابی و بررسی این دسته از نقوش در این مقاله صرف نظر می شود (Khazaie، 1999).

۳ -۱ نقوش کتیبه

قبل از ظهور اسلام در دوره ساسانیان زبان و خط ایرانی، پهلوی بود و آنرا فارسی میانه می نامیدند. کتاب های علمی، سیاسی و ادبی را به خط پهلوی می نوشتند. کتاب های مذهبی را هم به خط اوستایی نوشته می شد. پس از غلبه اعراب بر ایرانیان و نفوذ معنوی دین اسلام و از طرفی دشواری و نقایص خط پهلوی، الفبای زبان فارسی از الفبای خط عربی اقتباس گردید. از آن پس الفبایی جدید برای زبان فارسی بر اساس حروف عربی طراحی و شکل می گیرد.

پس از آن در سده های اولیه دوره اسلامی، در تمامی شهرهای ایران، ایرانیان فارسی را به خط کوفی و نسخ می نویسند. قابل ذکر است خط نسخ از همان ابتدا در کنار خط کوفی مورد استفاده بوده و دلیل عمده آن نوشته های روی اولین سکه های این دوره است که با خط نسخ نوشته شده است.

تا کنون اطلاعاتی در باره این موضوع که نشان دهد طراحی و جایگزینی حروف عربی به جای حروف خط پهلوی ایران قبل از اسلام، توسط چه کسی و یا کسانی و در کجا شکل گرفته، در دست نیست. ولی به جرئت می توان گفت: این پدیده یکی از ارزنده ترین خدمات هنرمندان آن عصر، در جهت

تصویر ۴- درخت زندگی، سینی نقره ای، دوره ساسانی، قرون۶-۷ م، موزه واشینگتن

تصویر۵- درخت زندگی، سینی نقره ای، دوره اسلامی، قرون ۲-۳ هجری، موزه شیراز

حفظ زبان، فرهنگ و هنر ایرانی بوده است. احتمالا این تغییرات توسط هنرمندان حکومت های متقارن آل بویه، و سامانی و ... که در احیا و ترویج فرهنگ ایرانی در سده های اول دوره اسلامی نقش مهمی را ایفا و از هر گونه تلاشی در این جهت دریغ نکرده اند انجام پذیرفته است.

استفاده از کلمات به عنوان یک عنصر تزئینی و احتمالا به صورت حرف نشانه(لوگو تایپ) در هنر ساسانی قابل ردیابی می باشد. البته این نگرش ریشه در سنت ها و در امتداد الگوهای کهن هنر ایران باستان می باشد.. نمونه های از این خط نگاره ها در تزیینات گچبری و مهر ها در موزه ها موجود است که با ترکیب زیبائی از حروف پهلوی تزئین شده اند (شکل ۳).

۳- ۲ نقوش گیاهی

در هنر اسلامی نقوش گیاهی از جایگاه ویژه ای برخوردارند. این نقوش بخش اعظمی از تزیینات انواع هنر اسلامی را به خود اختصاص داده است. آنها تنها نقوش هستند که بیش از هر نقش دیگری در مساجد و اماکن مذهبی به چشم می خورند. مهمترین دسته از نقوش اسلامی مثل نقوش اسلیمی و ختایی دارای خاستگاهی گیاهی هستند. این نقش ها اکثراً با مفهومی نمادین در اماکن مذهبی حضور یافته اند. شاید بتوان گفت نقش های گیاهی بیشترین زیر مجموعه را در میان نقوش هنری تمدن های بشری به خود اختصاص داده اند. از سویی نمادینگی این نقوش بی تردید یکی از پیچیده ترین و متنوع ترین نمادگرایی های بشری را شامل می شود(Khazaie 2005).

یکی از مهمترین نقوش تجریدی و نمادین درخت در هنر ایران دوره ساسانی، "درخت زندگی" است. حضور گسترده این درخت در جای جای آثار ادبی و هنرهای تجسمی ایران قابل توجه می باشد. درخت زندگی در تزیینات بسیاری از آثار هنری بر جای مانده از دوره ساسانی خصوصاً ظروف سیمین، منسوجات و نقش برجسته ها، در میان دو حیوان، دو پرنده و یا حیوانات افسانه ای به صورت رخ به رخ طرح شده است(شکل ۴) این جانوران از درخت و میوه آن محافظت می کنند. برای چیدن و برخورداری از میوه ی آن، که رمز و اکسیر طول عمر است، باید با این دو محافظ جنگید و در صورت پیروزی نامیرا و جاودان می شود.

شکل این درخت در دوره اسلامی بر اساس جهان بینی اسلامی تعدیل شده و در آثار هنری مطابق با مفهوم "درخت طوبی" ظهور پیدا کرده است.

در فرهنگ اسلامی درخت طوبی و یا سدره المنتهی، به عنوان درختی بهشتی اشاره می شود. این درخت یکی از چند درختی است که در قرآن کریم بدان اشاره شده است(سوره ۵۳ آیات ۱۴ تا۱۶). احادیث و روایت های زیادی در باب این

تصویر۶- ظرف سفالی، نیشابور، دوره سامانیان، سده های۳- ۴ هجری، مجموعه سابق فروغی، تهران

درخت در دست است(مجلسی،۱۹۸۳). از جمله آنها، طوبی درختی است که شاخه های متعددی از آن منتشر شده است.

در آثار هنر اسلامی نقش تزیینی این درخت، تأویلی تجسمی از مفهوم نمادین "درخت طوبی" در قرآن و احادیث است. آثار برجای مانده، سیر تعدیل و تبدیل "درخت زندگی" دوره ساسانی به "درخت طوبی" در هنر سده های اول دوره اسلامی به وضوح مشخص شود. با مقایسه نمونه آثار هنری پیش از اسلام و بعد از آن؛ به راحتی می توان ردّ تغییرات نقوش فوق را باز یافت. در آثار دوره اسلامی به تدریج طول شاخه ها بلند تر و از حالت طبیعی خارج می شوند(شکل ۵).

نقش درخت به مفهوم اسلامی(درخت طوبی) در تزیینات ظروف سفالی نیشابور بطور کامل دیده می شود. یکی از این نمونه ها، کاسه سفالینی است که تمام سطح داخل آن با نقوش گیاهی ترسیم شده است(شکل۶). همانطور که در تصویر مشاهده می شود نقش درخت به گونه ای کار شده است که پیدا کردن ابتدا و انتهای شاخه ها قابل تشخیص نیست. این نقوش در واقع زمینه ساز شکل گیری نقش اسلیمی- عمده ترین نقش به کار گرفته شده در هنر اسلامی است.

۳-۳ نقوش جاندار (انسانی، حیوانی)

جایگاه نقوش جاندار در هنر اسلامی و اختلاف نظر میان محققان و هنرشناسان مسئله است که بارها مورد بررسی قرار گرفته و نظرات و پاسخ های فراوانی درباره آن ابراز شده است. اما وجود این نقوش (انسانی، حیوانی) در تزیینات هنر های کاربردی، حقیقتی غیرقابل انکار را نمایان می سازد. در این میان سعی شده علاوه بر ارزیابی بعضی از نقوش انسانی و حیوانی و ابعاد مختلف این موضوع از جمله مضامین نمادین و شأن اجتماعی – هنری

تصویر۷- نقش شکار، پارچه، دوره آل بویه، سده چهارم هجری، مجموعه سابق محبوبیان

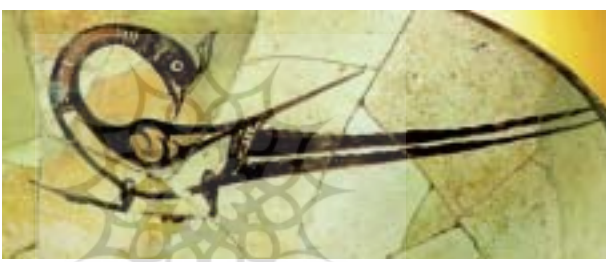

تصویر۸- سفالینه نیشابور با نقش سیمرغ ، قرن چهارم هـ. ق. نیشابور، ایران، تهران ، موزه ملی ایران

این آثار با توجه به تزییناتشان پرداخته شود.

در تمامی اعصار هنر ایران توجهی ویژه به نقوش جاندار به ویژه انسان، حیوان و گیاه اغلب به شیوه تجریدی داشته است و نقوش تجریدی جاندار یکی از اصلی ترین نقوش تزیینی – آیینی بوده است. با توجه به مطالب فوق شاید بتوان نتیجه گرفت که نقوش جاندار در سده های اول دوره اسلامی تداوم سنت های هنری ایران باستان ساسانی که آن هم خود برگرفته از سنت های هزاران ساله هنر ایرانی است. نقوش انسانی از مهمترین حلقه های واسطه هنر ایران قبل و بعد از اسلام است.

تزیینات بخش اعظمی از سفالینه ها، پارچه ها و ظروف فلزی دوران اسلامی از نقش های انسانی بهره گرفته شده است. نقش " اسب سوار" یکی از بارزتری آنها و در واقع کهن ترین نقش ایرانی هم بشمار می رود. در دورهٔ ساسانی نیز صحنه های جنگجویان سواره و شکارهای رسمی و نمادین پادشاهان (چون صحنه های شکار خسرو دوم، بهرام گور و ...) بر روی اشیاء و آثار تجسمی نقشی رایج بود.

نقش "شکار و سواره" در دوره اسلامی می توان به نقشی بر روی پارچه که احتمالا مربوط به دوره آل بویه می باشد اشاره کرد. این نقش به صورت قرینه در دو طرف درخت زندگی قرار دارد. شیوه طراحی کاملا در امتداد هنر ساسانی- با تزیین و تجرید بیشتر- می باشد. در اینجا شکارچی سوار بر حیوانی بالدار است(شکل ۷). در کل، نقش صحنه های شکار در آثار دوره اسلامی نسبت به صحنه های شکار ساسانی تلطیف تر شده است.

نمونه دیگری از نقوش تزیینی، نقش «سیمرغ» است. سیمرغ در ادبیات حماسی قبل از سلام (شاهنامه) نماد خرد و مداوا بوده است. در دوره

اسلامی هم این نقش در هنر، ادبیات و حکمت ایرانی حضور پیدا می کند. در اشعار عطار در منطق الطیر، آثار غزالی، سهروردی، شبستری و... به سیمرغ اشاره شده است. در اینجا سیمرغ به عنوان نماد الوهیت، انسان کامل، جاودانگی و ذات واحد مطلق و ... است.

به اعتقاد عطّار در منطق الطیر چون مرغان کثرت خود را در آیینه تجلی حضرت حق دیدند، به سیمرغ وحدت پیوستند. همچنین به اعتقاد سهروردی سیمرغ مظهری ازحقیقت راستین است درمان هر دردی است و همراهی اش ایمن بخش است . در اشعار عرفانی ادب فارسی نسیم صبا از نفس اوست و به همین علت آن را محرم اسرار عاشقان می دانند. در واقع دور افتادن از حقیقت و شور و شوق در طلب باز رسیدن بدان در نقش سیمرغ آورده می شود چنان که سهروردی در رساله عقل سرخ آشیان سیمرغ را درخت طوبی می داند(خزایی،۱۳۸۲).در شکل ۸ تصویری از سیمرغ را بر روی بخشی از یک بشقاب بزرگ سفالی را مشاهده می کنیم. در اینجا سیمرغ به تجریدی ترین شکل ممکن ترسیم شده است. سیمرغ سرش را به سمت بالش متمایل و دم خود را باز کرده است. تمامی پیکره این پرنده با خطوط و سطوح ساده طرح شده است. فضای میان بال پرنده با نقشی تزیینی به صورت منفی دیده می شود .

با توجه به گستردگی انواع نقوش در هنر ایران، بررسی همه آنها در چارچوب این مقاله نمی گنجد.

نتیجه

ایـن تحقـیق نگاهی کوتاه از رونـد تاثیر و بازتاب هویت ایرانی، بخصوص عصر ساسانی در شکل گیری عناصر هنری اولین تمدن ایرانی- اسلامی در سده های اول (سده های سوم تا پنجم هجری) داشت. محـور اصلی بحث یعنی نقوش شامل نقش های کتیبه ای، گیاهی، انسانی و حیوانی بود که به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفت. سعی بر آن بود که تا حدّ ممکن با شیوه ای منطقی این دسته از نقوش را که متاثر از سنت های هنری گذشته ایـران بوده مورد مطالعه قرار گیرد. برای این هدف علاوه بر مشاهده و بررسی نمونه هایی از آثار نقوش تزیینی دوره اسلامی، به مقایسه با نمونه های سده های قبل از اسلام نیز پرداخته شد.

نتایج این پژوهش به شرح زیر بیان می شود:

۱ –تداوم و تسلسل دیگر باره سنت های هنری، فرهنگی و باورهای ملّی ایران در خلق و پردازش آثار هنری دوره اسلامی.

۲ – نقش به سزای هنرهای تجسمی ایران باستان در شکوفایی هنر اسلامی و همچنین تاثیر جهان بینی اسلامی در تکامل سنت های هنر ایران.

۳ – نقش و تاثیر به سزای محتوی بر اثر هنری است. به عبارتی محتوی و مضمونی اساطیری و کهن می تواند در سایه جهان بینی نوین در قالب و شکلی نو به حیات خود ادامه دهد و باعث پیدایش آثار هنری نو ولی مرتبط با سنت های جاویدان گردد.

۴– رّد این باور که هنر اسلامی، هنری صرفاً تجریدی و منکر و ناهی استفاده از نقوش جاندار به ویژه پیکره انسان و حیوان است. همانگونه که مشاهده شد، بخش اعظمی از نقوش اختصاص به پیکره انسان (اعم از مرد و زن)، حیوانات و پرندگان دارد.

منابع و مآخذ

اتینگهاوزن ،ریچاردو گرابر،الگ، هنرومعماری اسلامی ،ترجمه یعقوب آژند،تهران ، سمت ، ۱۳۷۸ ، چاپ اول.
اشپولر ، برتولد ، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ،ترجمه مریم میر احمدی ، تهران ، علمی و فرهنگی ، ۱۳۶۹.
خزایی، محمد ، ارزشهای هنری قرآن منحصر به فرد ابن بواب، نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۵۵ ،۱۳۸۱.
خزایی، محمد ،نماد گرایی در هنر اسلامی، مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی ، ۱۳۸۲.
شریعتی،علی، بازشناسی هویت ایرانی ،اسلامی(مجموعه آثار)، تهران ، نشر الهام ،۱۳۶۹.
فرای،ریچاردنلسون ، میراث باستانی ایران ، مترجم مسعود رجب نیا ،تهران،علمی فرهنگی، ۱۳۷۷، چاپ پنجم .
کرمر، جوئل، احیای فرهنگی درعهدآل بویه ،محمد سعید حنایی کاشانی ، تهران ، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۵.
گیرشمن، رمن، ایران از آغاز تا اسلام، محمد معین، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۵، چاپ یازدهم.
مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، لبنان: دارحیاء، ، ۱۹۸۳ میلادی ، جلد ۸ .

Beg, M.A.J(ed), Fine Arts in Islamic Civilization, The University of Malay Press , 1981 , Kuala Lumpur .
Khazaie,Mohammad ,Early Islamic Persian Art, Origin, Form and Meaning, Book Extra Pub ,1999, London .
Khazaie, Mohammad,The Source and Religious Symbolism of the Arabesque in Medieval Islamic Art of Persia Central Asiatic Journal (ISI), in ,Harrassowitz Verlag ,49, 2005, Germany .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی